



ارائه شده توسط:

سایت ترجمه فا

مرجع جدیدترین مقالات ترجمه شده

از نشریات معتبر

کشت و صنعت برای توسعه روستایی و کشاورزان کم سرمایه: مسائل و درس

هایی از هند

چکیده:

این مقاله به بررسی اولویت داده شده به کشت و صنایع در هند، در زمینه نقش آنها در توسعه روستایی و کشاورزان کم سرمایه می پردازد. ویژگی ها و محدودیت های کشت و صنعت به منظور ارزیابی سهم واقعی و بالقوه آنها و چالش های پیش رو مورد بررسی قرار می گیرند. مدل های نهادی و سازمانی که در هند امتحان و یا پیشنهاد شده اند از نقطه نظر عملکرد ارزیابی و کمک به توسعه روستایی و کشاورزان کم سرمایه ارزیابی می شوند. سپس این مقاله، مفاهیم سیاستی و مدیریتی را استنتاج می نماید.

مقدمه

به لحاظ تاریخی، اولویت بالایی به کشت و صنعت در برنامه های توسعه و سیاست هند اختصاص داده شده است. تمرکز بر کشت و صنعت به عنوان یک عامل توسعه و ایجاد اشتغال روستایی در تاکید مهاتما گاندی بر کشت و صنعت مبتنی بر روستا در طول جنبش استقلال هند مطرح شد و امروزه یک بخش مرکزی از برنامه توسعه ملی (نگاه کنید به کمیسیون برنامه ریزی هند، 1996). یک خوشبینی در مورد توسعه مداوم آن وجود دارد: گزارش FAIDA کنفدراسیون صنایع هند (CII) و (Mckinsey and Company 1997)، هر دو نشان داده اند که پتانسیل زیادی برای توسعه فرآوری مواد غذایی و دیگر کشت و صنایع وجود دارد.

با این حال، توسعه کشت و صنعت هند امروزه گرفتار چالش های سختی از جمله مواد اولیه پر هزینه، ناکارآمدی زنجیره تامین، و محدودیت های تقاضا در بازار است (Srivastava and Patel, 1994; Goyal, 1994; CII-Mckinsey 1997). نگرانی هایی در مورد اینکه آیا قراردادبندی شرکت های چند ملیتی با کشاورزان کم سرمایه به کشاورزان کم سرمایه و شرکت های صنعتی-کشاورزی کوچک محلی کمک خواهد کرد و یا صدمه خواهد زد، وجود دارد؛ این بحث در واقع

در کشورهای در حال توسعه (Kusterer و Glover ، 1990) قابل تعمیم است. نگرانی‌ها در مورد اینکه آیا جنبش تعاونی به طور موثر می‌تواند موجب ترویج و توسعه کشت و صنعت برای شرکت‌های کوچک شود یا خیر، وجود دارد.

بخش خصوصی و همچنین دولت در انتخاب بهترین مدل‌ها برای توسعه کشت و صنعت در یک مسیر متقاطع قرار دارند- چه نوع ترتیبات / مدل‌های سازمانی و نهادی برای غلبه بر محدودیت‌های کنونی و به حداکثر رساندن سهم آنها در توسعه روستایی و کشاورزان کم‌سرمایه مناسب هستند؟ این مقاله بر این سوال تمرکز می‌کند و به شرح زیر ادامه می‌یابد. ابتدا، ما تاریخچه رویکردهای سیاسی و برنامه برای توسعه کشت و صنعت در هند را ترسیم می‌کنیم. دوم، ساختار و ویژگی‌های فعلی کشت و صنعت در هند را توصیف و تحلیل متون مختلف را در مورد محدودیت‌های آن خلاصه می‌نماییم. در نهایت، مدل‌های اصلی برای سازماندهی کشت و صنعت هند را که آزمایش شده‌اند یا به تازگی در هند پیشنهاد شده‌اند مورد بحث قرار می‌دهیم. ما دروسی از تجربیات این مدل‌ها را استنتاج می‌نماییم.

پیش زمینه: تاریخچه مختصری از رویکرد‌ها به توسعه کشت و صنعت در هند

جنبش استقلال سیاسی تا اواخر دهه ۱۹۴۰ تحت رهبری مهاتما گاندی شامل صنایع روستایی مبتنی بر کشاورزی بود. هدف، مشغول نمودن افراد روستایی در جنبش توسعه و استقلال و کاهش وابستگی خارجی (Goyal، ۱۹۹۴) بود. ایدئولوژی، اقتصادی، اجتماعی، و سیاسی بود. هر چند این مدل، روستاییان فقیر را در عمل توسعه دخیل می‌نمود، بعدها ناموفق شد چرا که به یک مبنای حفاظتی برای ملی‌گرایان به نفع تکنیک‌های کمتر کارآمد تولید و مخالفت با صنعت مدرن تبدیل شد و خواسته‌ها و نیازهای مصرف‌کننده را برآورده ننمود.

بین سال‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۸۰، سیاست کشت و صنعت تحت سلطه نخست‌وزیر نهرو و منبع-تفکر اقتصادی او بود که توسط Mahalanobis هدایت می‌شد. آنها معتقد بودند که هند برای نوسازی و رشد، به صنایع کالاهای سرمایه‌نیاز دارد. این استراتژی متکی بر صنایع بزرگ برای بخش کالاهای سرمایه‌ای بود، در حالی که بخش کالاهای مصرفی در درجه اول برای کشت و صنعت روستایی مقیاس کوچک، کار-محور و سرمایه‌اندوز بود. این مقوله با نیاز به کاهش مطالبات در سرمایه و پس‌انداز محدود و گسترش اشتغال سازگار بود. با این حال، کشت و صنعت در مقیاس کوچک،

به دلیل تکنولوژی قدیمی، مدیریت ناکافی و ظرفیت ضعیف به سرمایه گذاری، اغلب در برآورده سازی بازار تقاضای در حال گسترش و در حال تغییر برای کالاهای با کیفیت برآمده از رشد سریع جمعیت و افزایش درآمدها ناموفق بود.

با شروع دهه ۱۹۸۰، تلاش های جدیدی برای ترویج کشت و صنعت در هند با تاکید بر تقاضا در بازار، فناوری به روز، و مدیریت کارآمد زنجیره تامین رخ داد. آرامش قابل توجهی از محدودیت های دولتی واردات تکنولوژی و سرمایه گذاری مستقیم خصوصی خارجی (Goyal, ۱۹۹۴) وجود داشت. با این حال، این روند حال حاضر به سمت واحدهای کشت و صنعت خصوصی بزرگ در معرض خطر دور زدن کشاورزان کم سرمایه و روستایی فقیر بود.

ویژگی های بخش کشت و صنعت در هندوستان

داده ها از پیمایش سالانه صنایع نشان می دهند که ۴۶ درصد از کارخانه ها در هند، کشت و صنعت هستند (جدول ۱)، و آنها در ۲۲٪ از تولید ارزش افزوده و نزدیک به ۴۳ درصد از اشتغال صنعت ساخت (وزارت برنامه ریزی هند، ۱۹۹۶) سهم دارند. جدول ۱ نشان می دهد که ۳۷٪ از شرکت های کشت و صنعت، مواد غذایی تولید می کنند و ۶۳ درصد، محصولات غیر غذایی تولید می کنند. جدول ۲ نشان می دهد که ۴۴ درصد از کارخانه های مربوط به مواد غذایی در آردسازی (عمدتا دانه)، یکی ۱۳٪ دیگر در روغن خوراکی، ۱۰ درصد در شکر، و ۳۳٪ در "غذاهای دیگر" مانند غذاها با ارزش بالاتر با گستره درآمد بالاتر از تقاضا قرار دارند. رده "غذاهای دیگر"، ۴۹٪ از ارزش کل خالص افزوده و ۴۳ درصد از اشتغال در کشت و صنعت را در بردارد، در حالی که تنها ۷ درصد از ارزش افزوده و ۲۰٪ از اشتغال از آرد نمودن دانه ها می آید.

جدول ۱. اهمیت بخش کشت و صنعت در هند

			سهم درصد
صنایع	تعداد کارخانجات (1996/1997)	اشتغال (1996/1997)	ارزش خالص افزوده (1996/1997)
صنایع غذایی مبتنی بر کشت	16.69	13.67	5.85

صنایع غیر غذایی مبتنی بر کشت	29.09	29.23	15.74
صنایع کلی مبتنی بر کشت	45.78	42.89	21.59
صنایع دیگر (غیر کشت)	54.22	57.11	78.41
تمام صنایع	100.00	100.00	100.00

جدول ۲: اهمیت صنایع غذایی منتخب در بخش صنعت غذایی - کشت

صنایع	سهم درصد		
	تعداد کارخانجات (1996/1997)	اشتغال (1996/1997)	ارزش خالص افزوده (1996/1997)
آرد کردن دانه ها	44.38	20.30	7.05
روغن های خوراکی	13.11	7.74	21.48
شکر	9.58	28.57	23.03
مواد غذایی دیگر	32.93	43.40	48.45
مجموع مواد غذایی	100.00	100.00	100.00

جدول ۳ نشان می دهد که تنها ۱۸ درصد از کل سرمایه ثابت صنعتی در کشت و صنعت قرار دارد؛ در مقایسه با سهم ۴۳٪ کشت و صنعت در اشتغال صنعتی. بنابراین، کشت و صنعت همچنان به طور نسبی نیروی کار-محور و سرمایه اندوز است. سهم ارزش افزوده نیروی کار، ۴۸٪ کشت و صنعت در مقابل ۳۵٪ در صنایع دیگر است. کشت و صنعت، به طور متوسط، اشتغال را برای ۱۴ نفر در هر سرمایه گذاری ۱۰۰،۰۰۰، Rs. در مقابل سه تا در ۱۰۰،۰۰۰، Rs. برای سایر صنایع تولید می کند. علاوه بر این، این ارقام شامل اشتغال اضافه تولید شده در بخش کشاورزی و تامین ورودی از طریق اثرات قهقرایی نمی شوند. در نهایت، کشت و صنعت به سرمایه ثابت کمتر و سرمایه در گردش بیشتر در مقایسه با صنایع دیگر نیاز دارد. به طور متوسط، کشت و صنعت سالانه ۵۱٪ ارزش افزوده را بر سرمایه ثابت، در مقایسه با تنها ۳۹ درصد در سایر صنایع تولید می کند.

توصیف صنعت	سهم سرمایه ثابت (درصد) (1996/1997)	مجموع افراد استخدام شده در هر کارخانه (۱۹۹۲/۱۹۹۳)	سرمایه ثابت در هر کارخانه (میلیون Rs.) (1996/1997)	حق الزحمه ها به صورت / ارزش خالص افزوده (۱۹۹۲/۱۹۹۳)	درصد سرمایه کار فیزیکی برای سرمایه گذاری شده (1996/1997)	ارزش خالص افزوده به سرمایه ثابت (1996/1997)	نیروی کار برای نسبت سرمایه ثابت (در هر Rs.100 هزار) (۱۹۹۲/۱۹۹۳)	مواد مصرفی برای ارزش خروجی (1996/1997)
صنایع غذایی مبتنی بر-کشت	4.40	55.60	8.07	45.16	57.24	54.9	14.82	74.68
صنایع غیر غذایی مبتنی بر-کشت	13.15	70.82	13.82	49.13	32.30	49.5	14.18	55.57
مجموع صنایع مبتنی بر کشت	17.55	65.14	11.73	47.95	41.01	51.3	14.38	64.00
صنایع دیگر (غیر کشت)	82.45	79.96	46.50	35.31	23.39	39.4	2.98	51.34
تمام صنایع	100.00	72.85	30.58	38.21	27.22	41.3	4.51	55.03

هند، اصلاحات آزادی اقتصادی قابل توجهی را در سال ۱۹۹۱ راه اندازی نمود. این اصلاحات چه اثری بر کشت و صنعت تا به حال داشته است؟ داده های موجود، یک ایده اولیه از پاسخ کشت و صنعت را ارائه می دهند. جدول ۴، رشد تولید ناخالص داخلی توسط زیربخش قبل و بعد از آزادسازی در قیمت های ثابت را پیش از اصلاحات و پس از اصلاحات رشد نشان می دهد. نرخ رشد در صنعت غذایی-کشاورزی بیش از ۱۰٪ در هر دو دوره بود، و در کشت و صنعت مواد غیر غذایی، نرخ های رشد از ۳،۷٪ به ۷،۷٪ دو برابر شد. برای بخش کشت و صنعت به طور کلی، یک

افزایش در نرخ رشد از ۵,۲ درصد به ۸,۳ درصد وجود داشت که نشان دهنده تاثیر مثبت اصلاحات است. جالب توجه است که دیگر صنایع در واقع یک کاهش سرعت از ۱۲ درصد به ۷,۲٪ را نشان می دهند.

جدول ۴. عملکرد کشت و صنعت: مقایسه دوره های پیش از اصلاحات با پس از اصلاحات

صنایع	نرخ رشد ارزش افزوده در هر صنعت	
	1984/1985 تا 1989/1990	1990/1991 تا 1995/1996
صنایع غذایی مبتنی بر-کشت	10.45	10.27
صنایع غیرغذایی مبتنی بر-کشت	3.70	7.70
مجموع صنایع مبتنی بر-کشت	5.15	8.30
صنایع (غیرکشت) دیگر	12.00	7.20
تمام صنایع تولیدی	9.23	7.60
کشاورزی	5.67	2.68

رشد اشتغال در زیربخش های کشت و صنعت متفاوت است. جدول ۵ داده هایی را برای ۱۹۸۴ تا ۱۹۹۰ و سال های ۱۹۹۰ تا ۱۹۹۶ فراهم می کند که نشاندهنده اینست اشتغال در لبنیات، کنسرو و قوطی بندی ماهی، روغن های خوراکی، شکلات و فرآوری بادام زمینی در سریع ترین شکل در حال رشد است. به صورت تجمعی، با چند استثنا، یک روند مثبت برای اشتغال کشت و صنعت غذایی در دوره های اخیر قبل و در خلال اجرای سریع اصلاحات اقتصادی مشهود است. باز هم، این شامل اشتغال تولید شده در بخش کشاورزی / شیلات / دامداری از طریق ارتباطات تقاضای رو به عقب نمی شود که به طور معمول به طور قابل توجهی به کل ایجاد اشتغال در زنجیره غذایی اضافه می کند.

جدول ۵ مشخصات افزایش در اشتغال در صنایع غذایی-کشاورزی

شماره	صنعت	تغییر درصد	
		1979/1980 تا 1988/1989	1988/1989 تا 1993/1994
۱	گوشت	-21.62	8.47

۲	لبنیات	47.33	39.41
۳	قو طی و کنسرو میوه و سبزیجات	2.85	22.08
۴	قو طی و کنسرو ماهی	-0.26	89.12
۵	آرد	33.10	15.93
۶	نانوایی	35.53	1.00
۷	شکر ریز	-35.85	5.80
۸	شکر	-23.41	29.92
۱۰	شکلات	81.62	65.43
۱۱	روغن های مختلف	4.36	17.28
۱۲	روغن های خوراکی	-24.22	72.59
۱۳	چایی	-21.54	5.07
۱۴	قهوه	36.91	-40.68
۱۵	بادام زمینی	-42.60	106.44
۱۷	غذای حیوانات	52.53	35.94
۱۸	نشاسته	-7.08	18.00
۱۹	محصول غذایی دیگر	-0.91	-14.13

موانع پیش روی کشت و صنعت

اولین محدودیت، عرضه ناکافی مواد خام از کشاورزی است. شکل 1، یک نمودار از شاخص تولید صنعتی صنعت غذایی-کشاورزی (هند، وزارت امور مالی، ۱۹۹۸)، و نیز شاخص تولید محصولات کشاورزی (هند، وزارت کشاورزی، ۱۹۹۸) (۱۹۶۰-۱۹۹۷) (هر دو در شرایط واقعی) را نشان می دهد. این نمودار نشان می دهد که تولید صنعتی کشاورزی-مواد غذایی به طور پیوسته تولید محصولات کشاورزی را رشد داده است، که نوسانات قابل توجهی در طول زمان در رشد تولید صنعتی کشاورزی-غذایی وجود دارند و افزایش قابل توجهی در تولید در دوره پس از اصلاحات دهه ۱۹۹۰ وجود دارد. متون هندی تاکید کرده اند که رشد کشت و صنعت در هند در طول تاریخ توسط هر دو تهیه مواد اولیه و رشد آهسته تقاضا مصرف کنندگان برای محصولات کشت و صنعت محدود شده است (نگاه کنید به

Boer and Pandey؛ 1994 ، Srivastava and Patel ، ۱۹۹۷). برای بررسی میزان تعیین خروجی کشت و صنعت توسط

تولید کشاورزی ، ما با OLS ، مدل رگرسیون زیر را برآورد نمودیم

$$1. \text{ FOODINDEX} = a + b_1 * \text{ AGRPROX} + b_2 * \text{ GDPFC} + e$$

$$2. \text{ FOODINDEX} = c + d_1 * \text{ AGRPROX} + d_2 * \text{ NNPCAP} + u$$

که در آن

Foodindx = شاخص تولید صنعت محصولات غذایی

Agrprox = شاخص تولید کشاورزی

Gdpfc = GDP در هزینه های عامل در قیمت های ثابت

Nnpcap = محصول ملی خالص سرانه در قیمت های ثابت



شکل ۱. تولید صنعت غذایی کشاورزی و تولید کشاورزی در هند

جدول ۶. برآوردهای رگرسیون: متغیر وابسته FOODINDEX

متغیرهای مستقل						
	ثابت	AGRPROX	GDPEC	NNPCAP	R2	F-stat
ضریب	260.36	1.1708	0.001201		0.9713	592.37
آماره-t	22.32	2.883	4.265			
معناداری	**	***				
ضریب	2211.86	1.8279		0.1231	0.9611	458.08
آماره-t	27.766	4.366		2.545		
معناداری	**	***		***		

یادآوری: معناداری: *** در سطوح ۰,۰۹۹, ** در ۰,۰۹۵, * در سطوح ۰,۰۹۰.

نتایج در جدول ۶ نشان می دهند که تولید محصول کشاورزی، یک عامل قوی و تعیین کننده در خروجی صنعتی کشاورزی-غذایی حمایت کننده از نقش مهم عرضه مواد اولیه است- و نشان می دهد که کشت و صنعت هند بر واردات مواد اولیه تکیه نمی کند. همچنین نتایج نشان می دهند که تولید ناخالص داخلی در هزینه های عامل، و همچنین NNP سرانه، هر دو دارای یک رابطه قوی و معنی دار با رشد صنعتی غذایی-کشاورزی حمایت کننده از تقاضای مصرف کننده به عنوان عامل تعیین کننده قوی رشد در صنعت غذایی-کشاورزی هستند، همانطور که قانون Bennet پیش بینی کرده است.

محدودیت دوم، کیفیت پایین بسیاری از مواد اولیه است (Srivastava و Patel، ۱۹۹۴؛ Gulati et al، 1989؛ Kejriwal، ۱۹۹۴). مواد اولیه در دسترس اغلب دارای کیفیت نامناسب است، انواع فرآوری غالباً در دسترس نیستند، و دوره دسترس بودن مواد اولیه بیش از حد کوتاه و غیر قابل اعتماد است. Gulati و همکاران (1994) نشان می دهند که تنها در حدود ۵,۰٪ از میوه ها و سبزیجات رشدیافته در هند از نظر تجاری، تا حدی برای دلایل کیفیت فرآوری می شوند.

محدودیت سوم، تکنولوژی منسوخ مورد استفاده غالب در فرآوری است که به بهره وری پایین و کیفیت پایین خروجی منجر می شود (Srivastava and Patel، ۱۹۹۴). با توجه به Boer and Pandey (۱۹۹۷)، یک مشکل عمده در

بهبود فن آوری، اندازه بسیار کوچک واحد فآوری-کشاورزی متوسط است که نیاز به ادغام برای رسیدن به مقیاس بزرگتر قادر به رقابت را نشان می دهد.

محدودیت چهارم، مقرراتی هستند که در برابر کشت و صنعت کار می کنند. دولت معمولاً کالاهای فرآوری شده و بسته بندی شده به عنوان اقلام لوکس بسته بندی را در نظر می گیرد، و در نتیجه، تولید آنها به شدت مشمول مالیات است. مقررات و الزامات صدور مجوز ویژه بی شمار برای کشت و صنایع خاص، مانند سفارش محصول شیر برای صنایع لبنی وجود دارند. این سیاست ها، انگیزه هایی برای سرمایه گذاری در فرآوری-کشاورزی با ارزش افزوده بالاتر خلق می کنند.

یک محدودیت نهایی، فقدان تأمین منابع مالی است. موسسات مالی در هند عمدتاً به وام دادن برای شرایط سرمایه ثابت ملزم هستند، در حالی که کشت و صنعت، همانطور که در تجزیه و تحلیل بالا نشان داده شده است، یک نیاز بزرگ سرمایه در گردش است. بانک ها، سرمایه در گردش را با نرخ های بهره بالاتر از وام های سرمایه دیگر قرض می دهند.

مدل های کشت و صنعت در عمل و یا پیشنهادی در هند

چالش های برآمده از محدودیت های بالا رای بخش کشت و صنعت و نیاز به رشد مداوم آن برای کمک به توسعه کشاورزان روستایی و کم سرمایه، نیازمند مدل های خلاقانه سازمان کشت و صنعت در هند است. چندین مدل امتحان شده اند و باید برای ارائه درس هایی برای هند و جاهای دیگر در جهان در حال توسعه ارزیابی شوند.

با وجود هر ماهیت مدل، چند عوامل کلیدی موفقیت وجود دارند: (۱) ایجاد مشوق ها برای کشاورزان به منظور تولید مقدار و کیفیت مورد نیاز مواد خام، و عرضه محصولات به صورت مندرج در قرارداد (به جای فروش در جاهای دیگر). (۲) ارائه ورودی های زمین مورد نیاز و فن آوری و روشن سازی کسانی که حامل هزینه ها و خطرات هستند. (۳) دسترسی به فن آوری فرآوری با کیفیت بالا؛ (۴) توجه به تغییر تقاضای مصرف کننده از طریق اطلاعات موثر بازار؛ (۵) جذب سرمایه های سرمایه گذاری؛ و (۶) توجه به مسائل مربوط به مالکیت، سازمان، مدیریت، و کنترل کیفیت.

مدل سازمان تعاونی: AMUL

یک مدل در انواع خاصی از کشت و صنعت موفق بوده است (مانند لبنیات و روغن خوراکی)، مدل تعاونی AMUL است که مدل الگوی Anand نامیده می شود. این مدل از یک جنبش تعاونی لبنی موفق در منطقه Chaeta از ایالت گجرات تکامل یافته است. امروزه تعاونی لبنی دارای عضویت ملی نه میلیون است که ۲۱٪ بدون زمین هستند و ۶۶٪ کشاورزان کم سرمایه و حاشیه ای هستند. کشاورزان مالک کشت و صنعت هستند، همانطور که توسط آیین نامه تعاونی تصریح شده است. تعاونی ها در یک ساختار سه لایه سازماندهی می شوند، با تعاونی های اولیه در سطح روستا، یک اتحادیه تعاونی در سطح منطقه، و یک فدراسیون تعاونی در سطح کشور. به طور گسترده، تعاونی های روستایی، محصول را از کشاورزان خرید می کنند، اتحادیه منطقه ای، محصول را حمل و نقل و فرآوری می کند، و فدراسیون، محصول نهایی را بازاریابی می کند و برنامه ریزی و سرمایه گذاری استراتژیک را هدایت می کند. تعاونی توسط یک هیئت مدیره چرخشی نمایندگان انتخاب شده-کشاورزان اداره می شود، اما توسط یک تیم از مدیران حرفه ای اجرا می شود. تعاونی نیز ترویج کشاورزی / فرآورده های لبنی و ارائه دامپزشکی و سایر خدمات را انجام می دهد.

مدل تعاونی از تامین کنندگان متعهد بهره مند می شود زیرا آنها اعضا هستند، و به این دلیل، هزینه های واسطه نسبتاً پایین است. این مدل به نوبه خود به نفع اعضا با اشتغال و درآمدها از تولید ابتدایی و ارزش افزوده هستند. مشکل عمده پیش رو توسط تعاونی ها، نیاز آنها برای رهبری واجد شرایط و متعهد است که در هیئت های حاکم داوطلبانه فراهم شده است. یک هیئت مدیره انتخاب شده اغلب به شدت سیاسی می شود که از اهداف شیوه های کسب و کار تعاونی و مخاطره آمیز کاسته می شود. علاوه بر این، قوانین کهنه حاکم بر تعاونی ها، دخالت دولت را ایجاد می کنند و موجب جلوگیری از استفاده از بازارهای مالی برای بالا بردن سرمایه می شوند و در نتیجه رشد را محدود می کنند.

مدل سازمان دولتی: HPMC

در این مدل، دولت و یا یک شرکت بزرگ متعلق به دولت، بازیکن است. یکی از نمونه های شناخته شده از اینها، شرکت Himachal Pradesh Fruit Processing and Marketing (HPMC) است. این شرکت به طور کامل متعلق به دولت است و توسط کارکنان دولت اداره می شود. این شرکت شبکه ای از امکانات زیربنایی و فرآوری از جمله مراکز جمع آوری محصول، انبارها، سردخانه، و کشتارگاه ها را راه اندازی نموده است. محصول از کشاورزان با قیمت های اعلام شده خریداری شده است می شود. پس از آن ذخیره می شود، فرآوری می شود، و در سراسر کشور توسط شرکت دولتی به بازار عرضه می شود. بازاریابی محصول تازه، حوزه کار عمده فروشان است، و عمده و خرده فروشی خصوصی باقی می ماند. HPMC، دو مرکز جمع آوری، سه انبار، و پنج سرد انبر را در ایالت هیمماچال پرادش، عمدتاً برای سیب راه اندازی نموده است. یک انبار سرد در شهر های بزرگ دهلی، بمبئی و چنای نیز راه اندازی نموده است. حتی با اینکه HPMC در یک زمان نسبتاً موفق بود، گزارشات نشان می دهند که قادر به حفظ این موفقیت (Vaidya, 1996) نبوده است. به تازگی، در جذب تامین کنندگان کشاورز کافی و یا گسترش توزیع فراتر از خروجی های خود ناتوان بوده است. مالکیت دولتی دارای مزیت اطمینان از بودجه عمومی برای سرمایه گذاری ها در زیرساخت است، اما سمت پایین، بوروکرات ها هستند که شرکت را مدیریت می کنند، و آنها اغلب فاقد مهارت های کسب و کار هستند و تحت هوی و هوس دولت های در حال تغییر قرار می گیرند؛ علاوه بر این، آنها پاسخگو به مافوق خود نیستند اما نسبت به کشاورزان و یا مصرف کنندگان نیز پاسخگو نیستند. آنها تعهد کمی را برای تدارکات از کشاورزان کم سرمایه، از یک سو، و پاسخگویی به تقاضای بازاریابی پویا، از سوی دیگر نشان می دهند که موفقیت بلند مدت سرمایه گذاری را ممانعت می کند.

مدل شخصی چند ملیتی "همکاری" با کشاورزان: پیسی

این مدل شامل ادغام رو به عقب توسط یک شرکت خصوصی با قوی قابلیت های بازاریابی و محصولات و مارک های قوی می شود که تاسیس شده است. این مدل توسط مواد غذایی پیسی در هند در برپایی یک فرآوری گوجه فرنگی در کارخانه Zahura در منطقه Hoshiarpur از پنجاب در سال ۱۹۸۹ امتحان شده است. در سال ۱۹۹۴، ۳۵۰ کشاورز بیش از ۲۷۰۰ جریب کشت نمودند و ۶۵۰ تن گوجه فرنگی را در روز فرآوری می نمودند (Gulati و همکاران، ۱۹۹۴).

قراردادها برای تولید و تامین انواع گوجه فرنگی با کشاورزان کم سرمایه بسته شد که در آن قرارداد از نظر اخلاقی بسته شده بود نه از نظر قانونی الزام آور. این شرکت در ایجاد روابط مبتنی بر اعتماد با کشاورزان از طریق تعهد خود به ارائه خدمات گسترش و نهاده های تولید سرمایه گذاری نمود. کارشناسان را به همراه آورد و استفاده از فناوری های مزرعه مناسب و انواع را با کشاورزان ترویج داد که موجب تحریک تحقیق و دانش از عملیات جهانی آنها شد. نهال ها به کشاورزان ارائه شد و کاشت با استفاده از رایانه برنامه ریزی و زمانبندی شد. بهترین فن آوری موجود در فرآوری مورد استفاده قرار گرفت و این شرکت از قابلیت های بازاریابی و شبکه های قوی برای فروش محصولات با کیفیت استفاده نمود.

این مدل به سادگی شامل تهیه و یا قرارداد کشاورزی بود، و نیز همکاری متقابلا سودمند بین کشت و صنعت و کشاورزان را توسعه داد. این کار ضرر و زیان ۴۰ میلیون در هر سال را برای سه سال اول به دنبال داشت و پس از آن سال های سودآور آمد. این مدل می تواند به مزایای بسیار عالی برای کشاورزان کم سرمایه، در مقیاس نسبتا محدود منجر می شود اما نیاز به یک نگاه بلند مدت و تعهد از شرکت، و تمایل توسط شرکت برای جذب هزینه های راه اندازی تلفات قابل توجه و اولیه نیاز دارد.

مشارکت شرکت چند ملیتی - محلی با مدل کشاورزی شرکتی:

Del Monte

این یک مدل پیشنهادی در دولت گجرات شامل سرمایه گذاری مشترک بین Del Monte، یک شرکت چند ملیتی، و یک تولید کننده نوشابه هندی برای تولید انواع محصولات مواد غذایی است. پیش بینی می شود که کشاورزی شرکت های بزرگ توسط سرمایه گذاری مشترک برای به دست آوردن ۲۵٪ تا ۳۰٪ از نیاز مواد اولیه انجام خواهد شد و بقیه از طریق کشاورزی قراردادی به دست خواهد آمد.

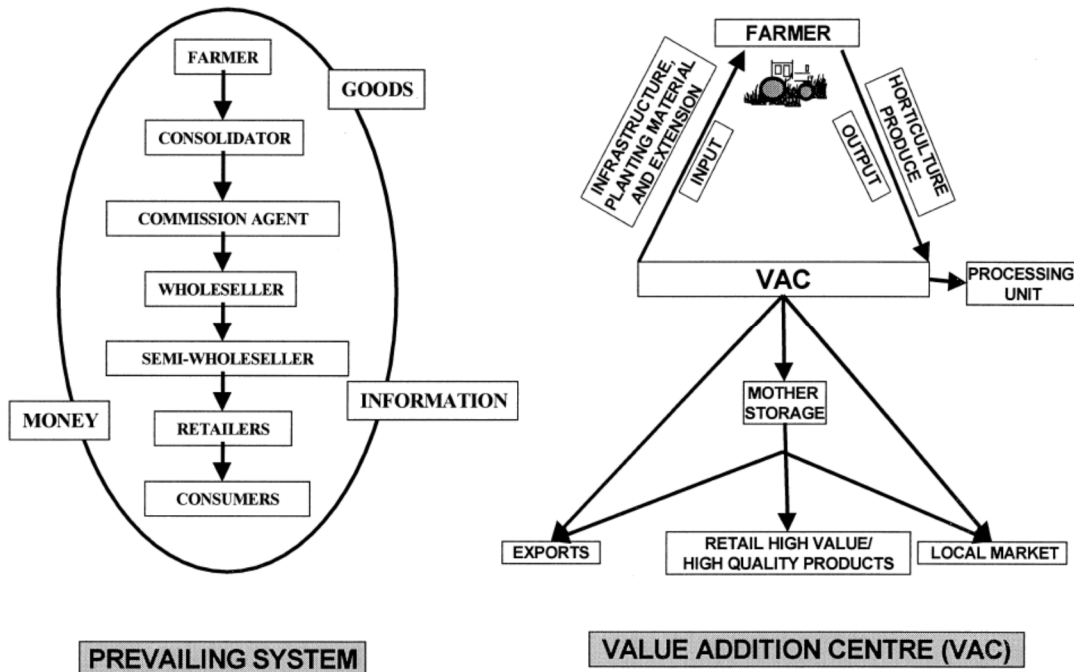
شناسایی و تخصیص زمین های کشاورزی تحت بررسی توسط دولت گجرات است. این مدل هنوز هم پیاده ازی نشده است.

اشکال عمده این مدل، در دسترس بودن زمین برای کشاورزی شرکتی است. قوانین زمین در هند در حال حاضر تنها به کشاورزان اجازه می دهد تا مالک زمین کشاورزی باشند و این مورد نیز توسط سقف زمین به منظور جلوگیری از بهره برداری از کشاورزان کم سرمایه توسط صاحبخانه های بزرگ محدود شده است. کشاورزی شرکتی نیز به استخدام رسمی نیروی کار مزرعه بر اساس قوانین فعلی نیاز دارد. باید دیده شود که آیا چنین کشاورزی در مقایسه با اقتصادهای نیروی کار خانوادگی ارزان موجود در مزارع خانوادگی مقرون به صرفه خواهد بود یا خیر. یکی دیگر از مسائل بالقوه متناقض، به اشتراک گذاری مالکیت، کنترل، مدیریت، و بازده بین شرکای چند ملیتی و ملی است.

مدل مرکز افزودن ارزش

شرکت صنایع کشاورزی گجرات اخیراً یک مفهوم از مرکز افزودن ارزش (VAC) را پیشنهاد داده است. VAC به عنوان یک مرکز فعالیت ها برای مدیریت قبل و بعد از برداشت محصولات کشاورزی تفهیم می شود (شکل ۲). که به عنوان یک فعالیت محکم برای توسعه روستایی منطقه عمل خواهد کرد و ارائه دهنده دانش فنی، تکنولوژی، ورودی ها و دسترسی به بازار برای کشاورزان کم سرمایه و متوسط در گجرات است. علاوه بر این، VACS به عنوان "گره های شراکت" بخش خصوصی-دولتی به کار گرفته خواهد شد که انواع مختلف کشاورزی قراردادی را می توان در پیرامون آن بادولت و یا سازمان های غیر دولتی مرتبط اقدام کننده به عنوان واسطه برای اطمینان از معاملات شفاف سازماندهی نمود

یک VAC به طور کامل عملیاتی، یک زنجیره یکپارچه از مزرعه تا بازار را ارائه می دهد که موجب کاهش تعداد واسطه ها در چند مرحله می شود (به عنوان مثال، ادغام کننده، نماینده کمیسیون، نیمه-عمده فروش، شکل ۲ را ببینید. به این ترتیب، VACS با موفقیت با شبکه معامله گر انحصاری فعلی برای دسترسی به مواد اولیه با ارائه قیمت های بالاتر و بسته یکپارچه از خدمات و ضمانت به کشاورزان رقابت خواهد کرد. سرمایه گذاری دولت برای R & D، زیرساخت ها، گسترش ریسک، و هزینه های معامله اولیه مرتبط با هدایت شرکا با هم مورد نیاز خواهد بود. به عنوان یک مفهوم، VAC بسیار جذاب است، اما الزامات سازمان آن بالا هستند، شاید بسیار بالا تا اینکه در گجرات عملیاتی شود.



شکل ۲. مفهوم مرکز افزودن ارزش

ارزیابی

اگر اهداف توسعه رشد کشت و صنعت به کار گرفته شوند، کشاورزان کم سرمایه باید از این رشد بهره مند شوند و افراد بی زمین باید به طور مستقیم باید منفعت ببرند. هرچند، این مورد اساساً وابسته به ماهیت سازمان و تعهد کشت و صنعت به دخالت آنها به عنوان شریک است. همچنین به قدرت چانه زنی کشاورزان کوچک درون مدل ها و ساختارهایی که خلق می شوند بستگی دارد. شرکت های بزرگ اغلب در به ارمغان آوردن منافع برای فقرای روستایی برخی اوقات با کمک NGOها به عنوان واسطه بهتر عمل می کنند. قراردادهای تامین برای کشاورزان خرده پا به ندرت در هند قابل اجرا هستند و تنها به صورت اخلاقی بسته می شوند. بنابراین 'موفق نمودن این کشاورزی قرارداد به توسعه روابط بلندمدت بین کشت و صنعت و کشاورزان از طریق شرایط قراردادی شفاف' قیمت گذاری منصفانه' گسترش موثر و بازاریابی مناسب وابسته است. این مورد حتی برای شرکت های کشت و صنعت خصوصی نشان داده شده توسط مدل شرکت پپسی ممکن است.

نتایج و مفاهیم

کشت و صنعت، اولویت چشمگیری را در توسعه اقتصادی در هند به خود اختصاص داده است. تاکید مهاتما گاندی بر کشت و صنعت مبتنی بر روستا در جنبش استقلال، آغاز این کار را نشان داد. آیا امروزه اولویت دادن به کشت و صنعت قابل توجیه است؟ این مطالعه نشان می دهد که بخش کشت و صنعت در هند سهم بزرگی در اشتغال کلی در صنعت و افزودن ارزش و تولید درآمد دارد. نقش مداوم آن در ارتقای توسعه، کاهش فقر، وابسته به ظرفیت آن برای کمک به درآمد زمین کوچک و اشتغال روستایی، به خصوص در میان فقای بدون زمین خواهد بود.

از نظر مدیریتی، یکی از چالش های اصلی در سازماندهی تولید و تدارک پایدار از تعداد زیادی از کشاورزان کوچک نهفته است. یک رویکرد مشارکتی باید در غلبه بر محدودیت های متعدد نویدبخش باشد. بتوان آن را از طریق سازمان های تعاونی ساختمان یا توسط ایجاد اعتماد به نفس و اعتماد از طریق یک رابطه تجاری سودمند با دخالت زارعان و شرکت خصوصی پیاده سازی نمود. در هر دو مورد، و با دیگر مدل های موفق، دولت باید یک نقش تسهیل کننده را از طریق توانمندسازی سیاست ها، مقررات، گزینه های تامین مالی و تحقیق و توسعه بازی کند.

در این طریق، مدل های بومی جدید باید از سازمان کشت و صنعت پدیدار شوند. مدل های دولتی به تنهایی، یک سابقه خوب از عملکرد را نشان نمی دهند. مدل شرکتی 'AMUL' یک مدل نویدبخش است که منافی را برای زارعان خرده پا به ارمغان می آورد و به آنها مالکیت یک بنگاه اقتصادی را می دهد. هرچند باید بر محدودیت های سیاسی، قانونی و مدیریت غلبه نماید. مدل شرکت پیپسی که شامل انسجام همگرا و به عقب توسط یک شرکت خصوصی برای زارعان از بازار محصول قوی می شود، یک جایگزین دیگر را ارائه می دهد. هرچند، به تعهد طولانی مدت و قدرت مالی با دامنه محدود برای تاثیرگذاری بر تعداد زیادی از فقرای روستایی نیاز دارد. مهم است که ظهور مدل های کشت و صنعت جایگزین و دریافت حمایت قوی دولتی تقویت شود، به خصوص آن دسته از مدل هایی که به طور مثبت برای اشتغال روستایی، کاهش فقر کمک می کنند.

REFERENCES

- Boer, K., and A. Pandey. 1997. India's Sleeping Giant: Food. The McKinsey Quarterly, No.1.
- CEPAL/GTZ/FAO. 1998. *Agroindustria y Pequeña Agricultura: Vinculos, Potencialidades y Oportunidades Comerciales*, Naciones Unidas, Santiago de Chile.
- CII-McKinsey & Co. 1997. Modernising the Indian Food Chain, Food & Agriculture Integrated Development Action Plan (FAIDA). New Delhi: CII and McKinsey & Co.
- Gaikwad, V. R. 1989. "Application of Science and Technology for Integrated Agricultural and Rural Development: A Farm-Industry Linkage Approach." In U. K. Srivastava and S. Vathsala, eds., *Agro-Processing: Strategies for Acceleration and Exports* (pp. 11-21). United Kingdom: Oxford & IBH Publishing Co. Pvt. Ltd.
- Gandhi, V. P., and G. Mani. 1994. "Agro-Processing for Development and Exports: The Importance and Pattern of Value Addition from Food Processing." *Indian Journal of Agricultural Economics*, 50(3): .
- Glover, D., and K. Kusterer. 1990. *Small Farmers, Big Business: Contract Farming and Rural Development*. New York: St. Martin's Press.
- Goyal, S. K. 1994. "Policies Towards Development of Agro-industries in India". In G. S. Bhalla, ed., *Economic Liberalization and Indian Agriculture, Chapter VII* (pp. 241-286). New Delhi: Institute for Studies in Industrial Development.
- Gulati, A., A. Sharma, K. Sharma, D. Shipra, and V. Chhabra. 1994. *Export Competitiveness of Selected Agricultural Commodities*. New Delhi: National Council of applied Economic Research.
- India, Central Statistical Organization. *National Accounts Statistics 1995, 1998*. Ministry of Planning and Programme Implementation. New Delhi: Government of India.
- India, Ministry of Agriculture. *Area and Production of Principal Crops in India*, various issues. New Delhi: Government of India.
- India, Ministry of Finance. *Economic Survey*, various issue. New Delhi: Government of India.
- India, Ministry of Planning. *Annual Survey of Industries*, various issues. New Delhi: Ministry of Planning, Government of India.
- India, Planning Commission, Approach. 1996. Paper to the Ninth Five Year Plan (1997-2002). New Delhi: Government of India.
- Kejriwal, N. M. 1989. "Performance and Constraints in Accelerating Production and Export of Fruits and Vegetables." In U. K. Srivastava and S. Vathsala, eds., *Agro-Processing: Strategy for Acceleration and Exports*. New Delhi: Oxford & IBH Publishing Co. Pvt. Ltd.
- Rello, F., and M. Morales. 1999. "Eslabonamientos Productivos Agricultura-Agroindustria y Su Capacidad de Generar Empleo en Mexico." FAO, Santiago de Chile.
- Srivastava, U. K. 1989. "Agro-processing Industries: Potential, Constraints and Tasks Ahead." *Indian Journal of Agricultural Economics*, 44(3): 242-256.
- Srivastava, U. K., and N. T. Patel. 1994. *Managing Food Processing Industries in India*. New Delhi: Oxford & IBH Publishing Co. Pvt. Ltd.
- Vaidya, C. S. 1996. Strategy for Development of Agriculture in Himachal Pradesh with Reference to Economic Liberalisation Policy, Agro-Economic Research Centre, Himachal Pradesh University, Shimla.

این مقاله، از سری مقالات ترجمه شده رایگان سایت ترجمه فا میباشد که با فرمت PDF در اختیار شما عزیزان قرار گرفته است. در صورت تمایل میتوانید با کلیک بر روی دکمه های زیر از سایر مقالات نیز استفاده نمایید:

لیست مقالات ترجمه شده ✓

لیست مقالات ترجمه شده رایگان ✓

لیست جدیدترین مقالات انگلیسی ISI ✓

سایت ترجمه فا ؛ مرجع جدیدترین مقالات ترجمه شده از نشریات معتبر خارجی